

مسیح مهاجری نوشته: " مشایب بارها مخفیانه به کشورهای اروپائی سفر و با سران آن کشورها و آمریکا و انگلیس مذاکره می کرده و برای مادام العمر کردن حاکمیت جریان انحرافی دور از چشم مردم برنامه ریزیها داشته است "

این چه مصلحتی است که نه سران قوا آن را می فهمند، نه نخبگان و نه مردم؟



به گزارش اسپادانا خبر، مسیح مهاجری در روزنامه جمهوری اسلامی نوشته است: تجمع چند نفر از سران جریان انحرافی در برابر سفارت انگلیس در تهران و متهم ساختن قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران به گرفتن دستور از دولت انگلیس برای صدور حکم محکومیت یکی از سران این جریان که هفته گذشته بازداشت و به زندان منتقل شد، اوج ساختارشکنی علیه نظام جمهوری اسلامی بود.

نفر دوم این جریان ساختارشکن، همزمان با متهم ساختن نظام جمهوری اسلامی به تسلیم بودن در برابر انگلیس، کاغذهایی که متن حکم محکومیت نفر سوم این جریان در دادگاه معرفی می کرد را به آتش کشید تا چنین وانمود کند که برای نجات جمهوری اسلامی ایران از سلطه انگلیس تلاش می کند و مردم ایران باید برای پایان دادن به سلطه انگلیس بر کشورشان به این جریان پیوندند!

تهمت وابستگی به دولت انگلیس، علاوه بر اینکه دروغ آشکار است، اهانت بزرگی به دستگاه قضائی و مسئولین نظام جمهوری اسلامی از صدر تا ذیل است.

این واقعیت را همه قبول دارند که دستگاه قضائی ما ضعفهایی دارد کما اینکه در قوای دیگر و سایر ارگانها و نهادها نیز نارسائیها، اشکالات و حتی تخلفات دیده می شود، اما در این واقعیت ذره ای تردید نیست که کلیت نظام جمهوری اسلامی و همینطور قوای سه گانه و نهادهای تصمیم گیرنده در این نظام به هیچ قدرت خارجی وابسته نیستند و افتخار این نظام این است که مستقل است. شعار محوری و بسیار مهم مردم در روزهای انقلاب که می گفتند «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» واقعاً در بخش استقلال به ویژه استقلال سیاسی کاملاً تحقق یافته و هیچکس در داخل و خارج از کشور در این واقعیت کمترین تردیدی ندارد.

اینکه آمریکا و انگلیس و صهیونیستها همواره با نظام جمهوری اسلامی دشمنی می کنند و از هیچ تلاشی برای ضربه زدن به آن فروگذار نمی کنند به دلیل مستقل بودن این نظام است. این نظام اگر مستقل نبود، دلیلی برای اینهمه دشمنی قدرت های سلطه طلب با آن وجود نداشت.

از اینها که بگذریم، کالبدشکافی جریان انحرافی و تحلیل چرایی عدم برخورد با سران این جریان اکنون نقل محافل است. سران این جریان، از اول پیدا بود که اهلیت قرار گرفتن در مناصب بالای اجرائی کشور را ندارند ولی متأسفانه مورد حمایت قدرتمندان و نهادهای تصمیم ساز و تصمیم گیرنده قرار گرفتند و به بالاترین مناصب رسیدند. بلایی که اینان بر سر ایران و نظام جمهوری اسلامی آوردند، از بزرگترین مصائب تاریخ این کشور و این نظام است. بالاترین مفاصد اقتصادی را پدید آوردند و خود را دولت پاک و دولتمردان پاکدست نامیدند. بالاترین اهانت ها را به روحانیت و مراجع تقلید کردند و خود را به عنوان نزدیکترین یاران امام زمان علیه السلام جا زدند. بیشترین سرپیچی را از ولی فقیه کردند و خود را مطیع ولایت فقیه معرفی نمودند. سخت ترین ضربه ها را به آرمان های انقلاب و امام خمینی وارد کردند و خود را احیاگر گفتمان امام و انقلاب نامیدند. اقتصاد کشور را فلج و پول ملی را بی ارزش کردند و دولت خود را دولت عدالت محور لقب دادند. در هشت سال حکمرانی بر

کشور هر اعتراضی به عملکرد آنها یا منتهی به احکام قضائی شد، یا آن را سرکوب کردند و یا به توجیهاات غیرموجه متوسل شدند. قانون را دور زدند و خود را میزان و معیار قانون دانستند و...

و حالا همین افراد تبدیل به اپوزیسیون نظام شده‌اند و خواستار عزل سران قوا هستند و برای اینکه بر کارنامه سرتاسر خلاف خود سربوش بگذارند، همه را متهم به فساد و خلاف و انحراف و حتی وابستگی به انگلیس می‌کنند.

جالب است که اتهام وابستگی به انگلیس را کسی به نظام و قوه قضائیه می‌زند که خودش بارها مخفیانه به کشورهای اروپائی سفر می‌کرد و با سران آن کشورها و آمریکا و همین انگلیس مذاکره می‌کرد و برای مادام العمر کردن حاکمیت جریان انحرافی دور از چشم مردم برنامه ریزی‌ها داشت.

اکنون سوال مردم این است که چرا به این جریان انحرافی مجال هر اقدام و اتهام زدنی داده می‌شود؟

سران سه قوه، نخبگان کشور و حتی روحانیون بلندپایه‌ای که در روی کار آوردن راس این جریان انحرافی دخالت داشتند و از او حمایت می‌کردند اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که او و جریان انحرافی او برخلاف مصالح کشور و نظام عمل می‌کنند و نباید به آنها مجال ادامه این بازی‌ها داده شود. مردم نیز با این سوال بزرگ مواجهند و برای آن پاسخی نمی‌یابند که چرا با این جریان گستاخ برخورد نمی‌شود؟ اگر هر کسی آزاد است هرچه بگوید، پس چرا با کسانی که همین جریان انحرافی را افشا کردند و درباره خطر آنها هشدار دادند برخوردهای شدید شد؟ اگر مصلحتی در این عدم برخورد وجود دارد، این چه مصلحتی است که نه سران قوا آن را می‌فهمند، نه نخبگان و نه مردم؟

آیا زمان اتمام حجت‌ها به پایان نرسیده و آیا زمان حساب‌رسی دقیق از افراد متخلف، قانون شکن، حرمت شکن و ساختار شکن فرا نرسیده است؟!

برچسب ها: [احمدی نژاد](#) [1]